

عباس منصور گرافیسیت لبنانی که با طرح حاج قاسم سلیمانی مشهور شد در گفت و گویا «فرهنگستان»:

حاج قاسم با هیچ قهرمانی قابل مقایسه نیست



زهرا فریادگان
روزنامه نگار

شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی را باید از آن دست اتفاقاتی قلمداد کرد که ابعاد تأثیرگذارش حتی از مرزهای ایران نیز فراتر رفته و بسیاری از مردم سراسر جهان را به نحوی تحت تأثیر خود قرار داده است. فارغ از ابعاد مهم شخصیت مبارز و مدافع حاج قاسم و تلاش‌های بی‌درنگ او طی سال‌های گذشته در جبهه مقاومت و برای دفاع از کشور، شخصیت اخلاقی و منش مثال‌زدنی او را می‌توان سرلوحه و سرمشق زندگی قرار داد. مجموع آنچه امروز از حاج قاسم و اقدامات

شجاعانه وی برای دفاع از حریم اسلام و حریم کشور بیان می‌شود، موضوعی است که هنرمندان با استفاده از آن در آثار خود می‌کوشند عشق و ارادت‌شان را به سردار بزرگ اسلام نشان دهند. بر پایی محافل شعر و قرائت سروده‌های شاعران در وصف حاج قاسم، برگزاری نمایشگاه‌های نقاشی و خطاطی با موضوع رشادت‌ها و شهادت سردار، برگزاری مراسم‌های یادبود سردار سلیمانی و همه اقداماتی که پس از شهادت حاج قاسم برگزار شده است، همگی یک پیام مشترک داشته‌اند: «راه حاج قاسم ادامه دارد.»

اما در آن سوی مرزهای ایران و پهویزه در کشورهای عربی، هنرمندان در زمینه‌های مختلف تلاش کرده‌اند تا با انعکاس رشادت‌ها و دلیری‌های سردار سلیمانی در بطن آثار خود، صدای حقیقت را به گوش جهانیان

برسانند. «عباس منصور» یک نقاش ۲۳ ساله و اهل کشور لبنان است. او پس از شهادت حاج قاسم با ترسیم یک تصویر زیبا از حاج قاسم سلیمانی روی یک نقشه فلسطین و لبنان، تلاش کرده تا احساس دینی که به سردار سلیمانی داشته را ادا کند. او همچنین مرثیه‌های زیبا در وصف سردار سلیمانی سروده و در آن شخصیت این سردار رشید را به زیبایی توصیف کرده است. «فرهنگستان» در گفت‌وگویی مفصلی با عباس منصور، انگیزه‌وی از ترسیم این نقاشی را جویا شده است. گفت‌وگویی پیش‌رو، شامل نظرات و تحلیل‌های این هنرمند لبنانی از تأثیرگذاری شهادت حاج قاسم بر جامعه و هنرمندان لبنان است.

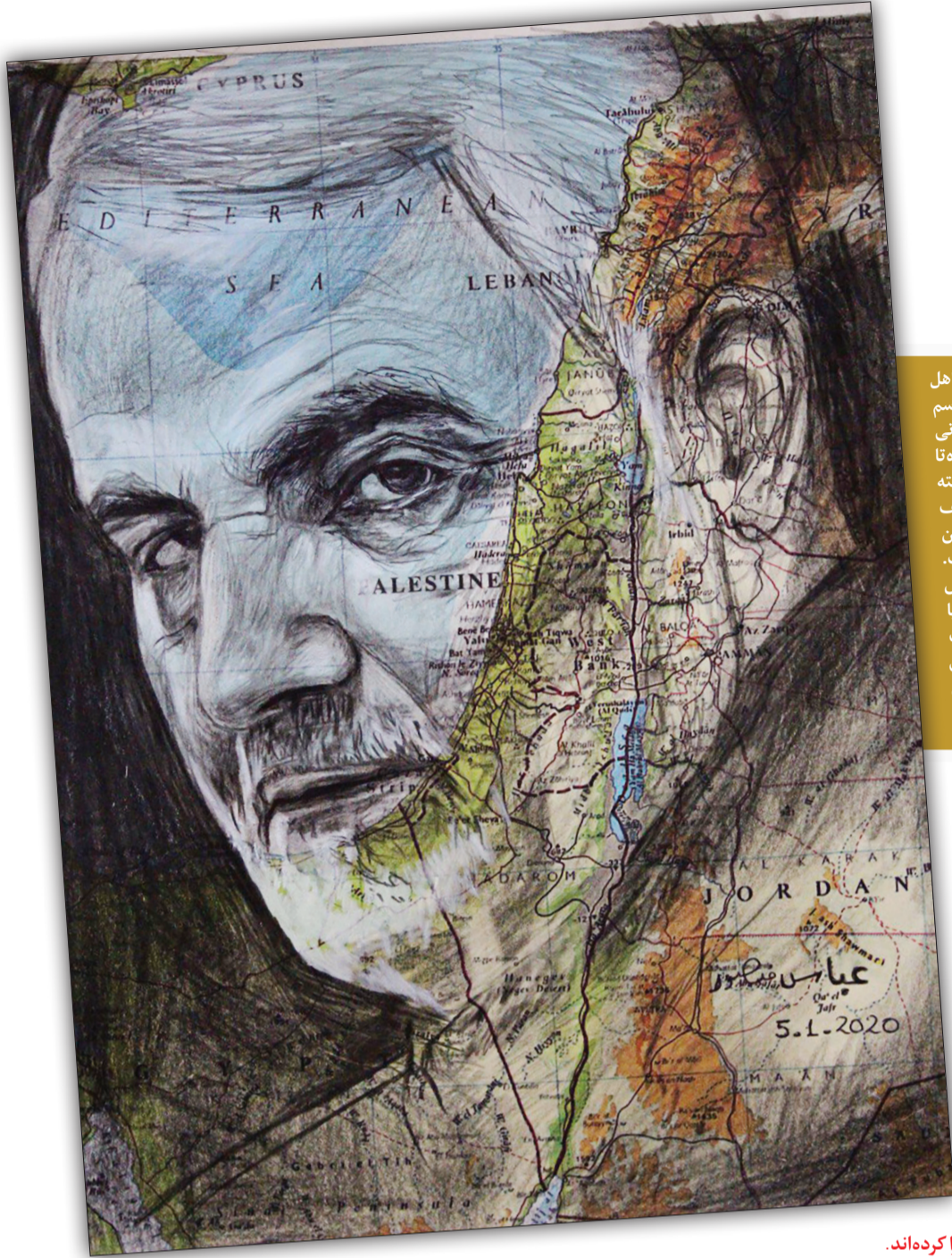
چیزی باید چند نکته را بیان کنم. لبنان یک کشور کوچک اما با تعدد مذاهب و ادیان است. در واقع در لبنان و در جامعه غیرمقاومت، اختلاف نظرهای فراوانی میان پیروان هر مذهب و دین وجود دارد. برخی با وجود اینکه جزء جامعه مقاومت نیستند، اما با ختمی مقاومت موافق هستند و در مقابل عده‌ای، نقدهایی را به جبهه مقاومت دارند. حال در این میان اگر قرار باشد هر کدام از افراد این جوامع، با زبان دین و اعتقادات دینی خود با یکدیگر صحبت کنند یا اعتقادات خود را بر دیگری تحمیل کنند، فضای کشور متشنج می‌شود و ایجاد چنین فضای، نه تنها به زیان جوامع دیگر بلکه به زیان جامعه مقاومت است چون مانعی جدی در پیشبرد اهداف مقاومت محسوب می‌شود. از این رو مردم لبنان ترجیح می‌دهند با زبان دین با یکدیگر سخن نگویند. به همین دلیل ما نمی‌توانیم آنچه از شخصیت و اهداف و آرمان‌های حاج قاسم می‌دانیم و به آن ایمان داریم را به همه جوامع لبنان بفرماییم. اما جالب اینجاست که شخصیت حاج قاسم به گونه‌ای بود که در لبنان محبوب و مورد قبول جبهه طویایف و پیروان ادیان دیگر بود. جالب است بدانید جبهه مقاومت در لبنان مراسم احیاء، جشن‌ها و برنامه‌های متعددی در حوزه مقاومت برگزار می‌کند، اما هیچ‌گاه این مراسم و برنامه‌ها تقاضی با فضای غیر مقاومتی لبنان ندارد.

در میان هنرمندان لبنانی، خانم «سیده فیروز» و خانم «جولیا پطرس» هنرمندانی هستند که ترانه‌های وطنی و

سروده‌هایی در وصف وطن و وطن پرستی اجرا کرده‌اند. حتی خانم جولیا پطرس در جریان جنگ ۳۳ روزه لبنان در سال ۲۰۰۶، ترانه‌ای را در مدح جبهه مقاومت و مبارزان آن اجرا کرد. آیا می‌توان گفت جبهه مقاومت، رشته اتصال میان هنرمندان مقاومت و هنرمندان غیر مقاومت است؟

بله، درست است. به جرأت می‌توان گفت که عشق به وطن در آثار هنری بسیاری از هنرمندان تیلور کرده است. همه لبنانی‌ها عشق عجیبی به وطن دارند و این موضوع برای تعدد ادیان و اختلافات دینی و مذهبی آنهاست. در جنگ ۳۳ روزه لبنان، خانم جولیا پطرس که یک خواننده لبنانی و مسیحی تبار است، با جمع‌آوری سخنان سیدحسن نصرالله و تنظیم آن، ترانه‌ای را در وصف مقاومت و مدح رشادت‌های سربازان مقاومت سرود و با اقتدار اجرا کرد. این امر نشان می‌دهد تأثیر مقاومت بر مردم، درگیر اختلاف‌نظرهای مذهبی نبوده است.

در مورد سیده فیروز نیز چند نکته قابل تأمل است. خانم فیروز استعداد درخشانی در موسیقی داشت اما پدرش اجازه خواندن را به او نمی‌داد. پس از آنکه استعداد بی‌ظنیر او توسط معلمش کشف شد، پدر فیروز در حالی که او اجازه خواندن داد که تنها ترانه‌ها و سرودهای ملی گرایانه بخواند و لذا سیده فیروز در تمام دوران هنری خود، به عشق وطن ترانه‌های ملی گرایانه خواند. جالب است بدانید بیشتر مردم لبنان صبح خود را با سروده‌ها و صدای سیده فیروز آغاز می‌کنند و بر این باورند که فیروز، شناسنامه هنری لبنان است و صدای او حس وطن پرستی را در انسان تقویت می‌کند.



نیز هستند که علاوه بر استفاده از سبک اروپایی، گرایش به اجرای آثار غربی نیز دارند. به هر حال هر هنرمندی مختار است سمت و سوی هنر خود را خود مشخص کند. همچنین با ورود فضای مجازی، روبه‌روی تمام دولت‌های عربی و اسلامی که از تولیدات یکدیگر و هنرمندان لبنانی اطلاع پیدا کنند، راه‌های ارتباطی وسیعی گشوده شد. اما به واقع زمانی یک هنرمند دیگر ملی‌گرا نیست که هنرش تمایل به جامعه‌های غربی داشته باشد یا جامعی که با جامعه خودش هیچ شباهتی ندارد، ناگفته نماند که لبنان کشوری است که در میان جامعه غرب و شرق قرار دارد و می‌کوشد تا با تمام کشورهای غربی و شرقی تعامل و ارتباط خوبی برقرار کند. این سبک زندگی، روی فعالیتهای هنرمندان نیز تأثیر داشته است و آنها تلاش می‌کنند با حفظ روحیه ملی‌گرای خود، از سبک و سباق هنرمندان شرقی و غربی استفاده کنند.

همه شیعیان لبنان به خوبی می‌دانند که در جنگ ۳۳ روزه لبنان، سردار سلیمانی و سردار مغنیه در خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی بودند و عملیات‌های مختلف را مدیریت می‌کردند. بنابراین همیشه نام آنها با نام رهبران جنبش مقاومت که در آزادسازی جنوب لبنان نقش مهمی داشتند، ذکر می‌شود

یکی از مواردی که قهرمان‌ها را در پیشگاه مردم بهتر جلوه می‌دهد، مقایسه آنها با شخصیت‌های تاریخی است. لبنانی‌ها در ذهن‌شان حاج قاسم سلیمانی را با کدام شخصیت تاریخی مقایسه می‌کنند؟

البته پیش از پاسخ به این سوال باید بگویم که حاج قاسم از فرماندهان مقاومت بود و هرمدیف فرماندهانی مانند عماد مغنیه و سیدعباس الموسوی. همان‌طور که گفتم جامعه لبنان یک جامعه چندین طایفه‌ای است که ممکن است برخی طویایف و مذاهب حاج قاسم را تنها به‌عنوان یکی از فرماندهان مقاومت بشناسند و از ابعاد شخصیتی و حماسی این فرد بی‌اطلاع باشند؛ لذا عموماً در جامعه غیرمقاومتی لبنان، حاج قاسم با هیچ قهرمانی مقایسه نمی‌شود و در جامعه مقاومت نیز حاج قاسم در دریف دیگر فرماندهان جای می‌گیرد. همه شیعیان لبنان به خوبی می‌دانند که در جنگ ۳۳ روزه لبنان، سردار سلیمانی و سردار مغنیه در خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی بودند و عملیات‌های مختلف را مدیریت می‌کردند. بنابراین همیشه نام آنها با نام رهبران جنبش مقاومت که در آزادسازی جنوب لبنان نقش مهمی داشتند، ذکر می‌شود. مضاف بر اینکه سیدحسن نصرالله در یکی از سخنرانی‌های خود در مورد حاج قاسم گفت: «زمانی که امام خامنه‌ای مسئولیت سپاه قدس را به حاج قاسم سپردند، او ارتباط خوبی با مقاومت و رهبران و فرماندهان در لبنان داشت و همواره برای همراهی با مقاومت حریص بود. برای همین او را یکی از قهرمانان و محور مقاومت می‌دانیم؛ نه تنها در لبنان بلکه در سوریه و فلسطین هم حاج قاسم تأثیرات اخلاقی و منش خود را بر جای گذاشته است.»

به نظر شما وظیفه هنرمندان لبنان به‌ویژه هنرمندان جبهه مقاومت در این شرایط چیست؟ چگونه می‌توانند آرمان‌های مقاومت را به سراسر دنیا عرضه کنند؟

در سراسر جهان، هنر، سلاح یک هنرمند است که به‌واسطه آن بتواند عشق و ارادت خود را به میهنش نشان دهد. این موهبتی است که خداوند در وجود هنرمندان قرار داده است. حال اینکه هر هنرمند چگونه و در چه مسیری از هنر خود استفاده می‌کند، موضوعی است که به اعتقادات و افکار هنرمند ارتباط دارد. همان‌طور که گفتم خانم جولیا پطرس با وجود اینکه یک زن مسیحی تبار است، اما با خواندن ترانه‌ای در وصف حزب‌الله و جبهه مقاومت، باور خود به آرمان‌های مقاومت را به گوش همه رساند. معتقدم هنرمندان مقاومت باید علاوه بر نشان دادن حس وطن پرستی و ملی‌گرای آثار هنری خود، تلاش مضاعفی برای بیان آرمان‌های رهبران و فرماندهان مقاومت و کسانی مانند حاج قاسم سلیمانی و حاج عماد مغنیه داشته باشند. خوشبختانه اکنون و با وجود فضای مجازی راه‌های و دروازه‌های ارتباطی وسیعی به سوی همه هنرمندان در سراسر دنیا گشوده شد تا بتوانند در کمترین زمان ممکن هنر خود را به اشتراک بگذارند.

لبنان در گذشته مستعمره کشور فرانسه بوده است و اکنون که یک کشور مستقل است، همچنان فرهنگ اروپایی در جامعه لبنانی جایگاه خود را دارد. تمایل به غرب و بالاصح هنر غربی تا چه اندازه در میان هنرمندان لبنانی وجود دارد؟ آیا هنرمندان در همه رشته‌های هنری به استفاده از اسلوب غربی در آثار خود گرایش دارند؟

همان‌طور که گفتم هنر، سلاح یک هنرمند است و باید از آن در جهت وطن پرستی و آرمان‌های میهن خود استفاده کند. البته این امر یک اجبار نیست اما یک مزیت برای هنرمند محسوب می‌شود. هنر یک هنرمند در یک کشور همواره حامل پیام‌های مختلفی به مردم سایر کشورهاست. برای مثال در همین طرحی که من از چهره حاج قاسم روی نقشه فلسطین و لبنان ترسیم کرده‌ام، هر فردی با هر ملیتی در هر جای دنیا می‌تواند پیام من را درک کند. ما اکنون در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم و با توجه به وسعت وسایل ارتباط جمعی، هنرمندان کشورهای مختلف به راحتی می‌توانند از هنر یکدیگر و آثاری که خلق می‌کنند، مطلع شوند. بدیهی است که اسلوب مورد استفاده یک هنرمند در فرانسه می‌تواند مورد استفاده یک هنرمند در لبنان باشد. در واقع یک هنرمند لبنانی می‌تواند با سبک یک هنرمند غربی، اثری ملی خلق کند و این دو موضوع منافاتی با یکدیگر ندارد. البته در این میان هنرمندانی

ایده طراحی این نقاشی از کجا و چگونه به ذهن شما خطور کرد؟

چند سال پیش یکی از سربازان جبهه مقاومت، نقشی از اراضی فلسطین و لبنان را به‌عنوان یادگاری به من داد. من سال‌ها این نقشه را پیش خود نگه داشته بودم و همیشه در این فکر بودم که تصویر شخصی را خواهم کشید که منجی فلسطین باشد. اما نمی‌دانستم که بالاخره چه کسی را نقاشی خواهم کرد تا اینکه خبر شهادت حاج قاسم سلیمانی را شنیدم و از آنجایی که حاج قاسم به گردن همه ما حق دارد، احساس کردم بهترین تصویری که می‌توانم روی نقشه طراحی کنم، تصویر حاج قاسم است.

البته می‌دانم که وصف شخصیت حاج قاسم و توصیف صفات او در یک نقاشی و با این ابعاد نمی‌گنجد، اما معتقدم هر هنرمندی می‌تواند در حد توان خود و موهبتی که از سوی خدا به او داده شده - یعنی همان هنرش - تکلیف خود را در برابر حاج قاسم ادا کند. این یک حقیقت است که حاج قاسم در زمان ایستادگی به خوبی شناخته نشد و لذا این، یک وظیفه و رسالت است که روی دوش هنرمندان گذاشته شده است تا هر کدام از هنرمندان به‌نوعی و در قالب هنرشان، ابعاد شخصیتی حاج قاسم را به جهانیان بشناسانند.

شما به‌عنوان نقاش این طرح، چه پیامی را در اثر خود بیان کرده‌اید؟

اثر یک هنرمند از اعتقادات و افکار و احساسات او نشأت می‌گیرد بنابراین هر اثری که از هنرمند بر جای می‌ماند، احساس و افکار او را به نمایش می‌گذارد. من هم در این نقاشی تلاش کردم، تمام احساس و اعتقادی را که به مقاومت و فرماندهان مقاومت به‌ویژه حاج قاسم داشته‌ام را به تصویر بکشم. من معتقدم حاج قاسم یک اسطوره بود که در افکار جامعه بزرگ اسلامی نقش بسته است و شهادت هدیه‌ای بود که از سوی خداوند به او عطا شد. اما با این نقاشی خواستم منجی فلسطین را به تمامی مردم آزادی‌خواه جهان نشان دهم تا همه بدانند اگر حاج قاسم و هم‌زمان او همچون حاج عماد مغنیه یا سیدعباس الموسوی نبودند، امروز جایی به نام فلسطین وجود نداشت.

همان‌طور که خودتان بیان کردید، اگر حاج قاسم و دیگر فرماندهان مقاومت نبودند، امروز لبنان و فلسطینی وجود نداشت. با این وجود چرا شما تنها تصویر حاج قاسم را روی نقشه این مناطق ترسیم کرده‌اید؟ دلیل خاصی برای این کار وجود داشت؟

برای مقاومت و جبهه مقاومت، همه فرماندهان و رهبران یکی هستند. نمی‌توان حاج قاسم را جدای از حاج عماد مغنیه و حاج عماد را جدای از سیدعباس الموسوی دانست. هدف همه این فرماندهان در زمان حیات‌شان یکی بوده و قدرت مقاومت به‌وجود همه فرماندهان آن بستگی دارد. اما کشیدن تصویر حاج قاسم به این دلیل بود که ایشان یک ایرانی بود و قلبش برای مقاومت می‌تپید و در همین راه نیز به شهادت رسید. اما این موضوع چیزی از ارزش‌ها و جایگاه دیگر فرماندهان جبهه مقاومت کم نمی‌کند.

فضای داخلی لبنان پس از شهادت حاج قاسم چگونه بود؟

فضای لبنان پس از شهادت حاج قاسم را باید از دو منظر تحلیل کرد؛ فضای جامعه مقاومت و فضای جامعه غیر مقاومت. بدیهی است فضای جامعه مقاومت و فضایی که این اتفاق در میان فرزندان مقاومت ایجاد کرد، همان فضایی بود که بعد از شهادت حاج عماد مغنیه و سیدعباس الموسوی ایجاد شد و همه فرزندان مقاومت را شوکه و در غم زد دست دادن این سردار بزرگ متأثر کرد. اما در مورد جامعه غیر مقاومت یا به تعبیری، جامعه عمومی لبنان، پیش از هر

